

فارسی اول راهنما

نقدی بر کتاب

دکتر هادی اکبرزاده*

کتاب جدیدالتألیف فارسی اول راهنمایی با شیوه‌ای نو و کاملاً متفاوت با چاپ‌های پیشین، پس از گذشت دو سال اجرای آزمایشی، در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ در حال گذراندن مرحله اجرای سراسری است. این کتاب در سال اول چاپ خود، از دو بخش مجزای «خواندن» و «نوشتن» تشکیل می‌شد؛ ولی در سال دوم اجرای آزمایشی، بخش دوم (نوشتن)، که تمرینی برای تثبیت و تقویت بخش نخست (خواندن) شمرده می‌شود، در کنار بخش اول یک مجلد گشت. بنا به گفته مؤلفان، کتاب اول عمدتاً به ادبیات امروز پرداخته و در پایه‌های دوم و سوم، سیر مؤلفان به سمت ادبیات گذشته است. کتاب جدیدالتألیف فارسی اول راهنمایی در یک مقدمه، «ستایش» و ۸ فصل با نام‌های «اسلام و انقلاب اسلامی»، «علم و فرهنگ»، «زیبایی آفرینش»، «شکفتن»، «اخلاق و زندگی»، «تام‌ها و یادها»، «سرزمین من» و «ادبیات جهان» تنظیم شده است. در این هشت فصل، ۲۱ درس آمده است. درس نوزدهم «آزاد» یا «سپید» است و فرصتی است مناسب برای مشارکت دانش‌آموزان و دبیر در تألیف کتاب. از مهم‌ترین اهداف مؤلفان در این کتاب می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- توجه ویژه به اشاعه زبان و ادبیات فارسی؛
- توجه به سن بلوغ، مسائل، نیازها، علایق و سلیقه‌های دوره نوجوانی در دانش‌آموزان دوره راهنمایی؛
- رویکرد تغییر ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت به ارزشیابی توصیفی، که از مقطع ابتدایی آغاز شده است؛



* فارسی اول راهنمایی.

* گروه نویسندگان

* چاپ سوم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های

درسی ایران، ۱۳۸۷.

- آموزش مهارت‌هایی همچون روان‌خوانی، مطالعه، کتابخوانی و پژوهش به دانش‌آموزان؛
- لزوم تغییر کتب فارسی دوره راهنمایی به عنوان دوره پیوند ابتدایی و متوسطه که بدون تغییر باقی مانده بود؛
- توجه به مهارت‌های زبانی، از جمله گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن؛
- حضور مستقیم نمایندگان تمامی استان‌های کشور در گزینش و انتخاب متون مناسب برای سازماندهی محتوای کتب درسی؛
- تأکید بر مهارت‌های فرازبانی، از جمله تفکر و اندیشه و نقد و تحلیل؛
- آموزش مهارت‌های زندگی، از جمله مسئولیت‌پذیری و گردش و همفکری و مشارکت؛
- و...

نگارنده با مطالعه این کتاب که «در سایه همدلی و همراهی همه استان‌های کشور»، همچون بسیاری از کتاب‌های فارسی عمومی دانشگاه‌های کشور، به انجام و فرجام رسیده است، با موارد بسیاری از کاستی‌ها و نقص‌ها در تألیف و به‌ویژه ویرایش کتاب روبه‌رو شد، که به برخی از آنها اشاره می‌شود. امید است در تألیف کتاب سوم راهنمایی شاهد این آشفتگی‌ها و بی‌دقتی‌ها نباشیم و هزینه حروف‌چینی و ویرایش این کتاب‌ها چند برابر نشود:

۱. اشکالات ساختاری و محتوایی کتاب

عدم ارتباط و هماهنگی بین متن درس‌ها و تصاویر

- در کتاب جدیدالتألیف فارسی اول راهنمایی کمتر با پدیده تصویرگری روبه‌رویم و این نیز ناشی از بی‌توجهی ناشر به این امر است. علاقه نوجوانان به تصویر کتاب‌ها، همواره امری انکارناپذیر بوده است. بنابراین تصویرهای یک کتاب باید رفتاری هماهنگ با محتوای آن کتاب داشته باشند. سازمان تألیف به این موضوع اهمیتی نداده است و در اغلب کتاب‌های منتشرشده نامی از تصویرگر دیده نمی‌شود. این اشکال به وضوح در کتاب فارسی جدیدالتألیف دیده می‌شود. به عنوان مثال، تصویر درس دوازدهم، که متن آن «کیبوترپچه‌ای با شوق پرواز...» است، دو پرندۀ کوچک شبیه به گنجشک است که هم‌اندازه می‌نمایند و از سویی دیگر، کیفیت این تصویر بسیار پایین است. کتاب از مدیر هنری یا گرافیست بی‌بهره است و بنا به گفته مؤلفین، آنها خود تصاویر را در بین متن درس‌ها چیداند. آنان تصویرگری کتاب را کاری سهل‌الوصول و زنگ تفریحی برای کارهای دیگر دانسته‌اند. وقتی به تصاویر کتاب می‌نگریم، می‌بینیم که در همه درس‌ها از تکنیک‌های تصویرگری خبری نیست و تصاویر تماماً عکس‌هایی هستند که بنا به سلیقه مؤلفان، لابه‌لای متن‌ها آمده‌اند و متأسفانه ناشر نیز هیچ‌گونه برخورد علمی و اصولی با این موضوع نداشته است. به عنوان یک پیشنهاد، می‌توان در درس آزاد از دانش‌آموزان خواست

که در صورت تمایل، تصویری مربوط به متن درس آزاد که خود آن را نوشته‌اند، بکشند و اندیشه و احساس خود را در قالب تصویر در کنار متن بیان کنند؛ این امر موجب عمق بخشیدن بیشتر به درک آنان می‌شود.
- نکته دیگر اینکه تصاویر رو و پشت جلد کتاب نیز ارتباطی به ادبیات معاصر، که مؤلفان مدعی هستند در فارسی اول برجسته‌تر و پررنگ‌تر است، ندارد. بهتر بود که از تصویر آرامگاه شمس که در پشت جلد کتاب فارسی اول آمده است، در کتاب فارسی سوم استفاده می‌شد. تصویر روی جلد نیز می‌توانست به ادبیات معاصر مرتبط باشد تا جلد کتاب بخشی از بار معنایی کتاب را به دوش کشد. به همین دلیل نیز لازم است تصاویر رو و پشت جلد کتاب دوم تغییر نماید. شایان ذکر است که تصویر پشت جلد کتاب دوم به ادبیات معاصر مربوط می‌شود.

عدم ارتباط مطالب و وحدت موضوع فصل‌ها

- یکی از نواقص دیگر کتاب که در جای جای کتاب به چشم می‌خورد، عدم ارتباط مطالب و نداشتن وحدت موضوع است. به عنوان مثال، در فصل اول (اسلام و انقلاب اسلامی)، حکایت «چشمه زاینده» و در فصل سوم (زیبایی آفرینش)، حکایت «اندرز پدر» از گلستان سعدی آمده است که هیچ ارتباطی با این فصل ندارد و ... آیا بهتر نبود روان‌خوانی «کزال» از فصل چهارم (شکفتن) به فصل هفتم (سرزمین من) منتقل می‌شد؟

بی‌توجهی به انواع ادبی (حماسی و غنایی)

- درس فارسی باید بتواند دانش‌آموز را به زبان و ادب فارسی علاقه‌مند سازد و حس و درک زیبایی را در آنها پرورش دهد و ذوق ادبی را در آنها برانگیزد. این درس باید دلنشین و گیرا، سرگرم‌کننده، خیال‌انگیز و زیبا باشد؛ نه خسته‌کننده و مملو از متن‌های بی‌روح و ... ادب فارسی معاصر که کتاب به آن نظر دارد، پر از نکته‌های دلپسند و ژرف و ذوق‌پرور است که همه از آن آگاهند؛ ولی گویا ذوق و سلیقه و یا جرئت استفاده از آن را نداریم. کتاب فارسی اول با این مشکل روبه‌روست؛ یعنی آنچه که به هیچ‌وجه در این

در کتاب جدیدالتألیف فارسی اول راهنمایی کمتر با پدیده تصویرگری روبه‌رویم و این نیز ناشی از بی‌توجهی ناشر به این امر است. علاقه نوجوانان به تصویر کتاب‌ها، همواره امری انکارناپذیر بوده است. بنابراین تصویرهای یک کتاب باید رفتاری هماهنگ با محتوای آن کتاب داشته باشند

در کتاب جدیدالتألیف فارسی اول راهنمایی کمتر با پدیده تصویرگری روبه‌رویم و این نیز ناشی از بی‌توجهی ناشر به این امر است. علاقه نوجوانان به تصویر کتاب‌ها، همواره امری انکارناپذیر بوده است. بنابراین تصویرهای یک کتاب باید رفتاری هماهنگ با محتوای آن کتاب داشته باشند

ادب فارسی معاصر که کتاب به آن نظر دارد، پر از نکته‌های دلپسند و ژرف و ذوق‌پرور است که همه از آن آگاهند؛ ولی گویا ذوق و سلیقه و یا جرئت استفاده از آن را نداریم. کتاب فارسی اول با این مشکل روبه‌روست؛ یعنی آنچه که به هیچ‌وجه در این کتاب ملحوظ نبوده، پرورش ذوق و ادراک خواننده است

سبک معاصر مورد بی‌مهری مؤلفان قرار نگرفته‌اند؛ بلکه قالب‌های نو نیز فراموش شده‌اند. در یک نگاه می‌توان پی برد که توجه به ادبیات معاصر، برخلاف ادعای مؤلفین، در این کتاب بسیار کم‌رنگ است.

بی‌توجهی به سیر کتاب‌های تازه‌تألیف که از ساده به مشکل است بنا به گفته مؤلفان، سیر کتاب از ساده به مشکل است. اما در مواردی نقض این رویکرد نادیده گرفته شده است. آوردن شعر «گفتار پیغمبر» از شاهنامه فردوسی برای دانش‌آموز سال اول راهنمایی مناسب نیست و از سوی دیگر، ارتباطی با ادب معاصر ندارد. بهتر است که در کتاب سوم از آن متن استفاده شود.

سیاست‌زدگی کتاب

– آنچه در ضعف این کتاب بیش از هر چیزی به چشم می‌خورد، نزدیکی محتوای کتاب جدیدالتألیف فارسی اول راهنمایی به کتاب پرورشی و دینی است و بر هر خواننده‌ای واضح است که دچار سیاست‌زدگی شده است. این کتاب مخاطبی سیاسی دارد و آن را با مخاطب انسانی کاری نیست. نیاز به گفتن نیست که بهتر است در کتاب‌های درسی از القای مستقیم پیام‌های سیاسی، که چندان مناسب با دانش‌آموزان نیست، پرهیز شود. تأکید می‌گردد که مخاطب کتاب، مخاطبی انسانی نیست؛ بلکه بیشتر مخاطب سیاسی در این آینه حضور دارد و به گفته دکتر شفیعی کدکنی، «تا قوت غالب ما ایرانیان شایعه است و ستون فقرات فرهنگ ما را حجیت ظن تشکیل می‌دهد، روزبه‌روز از این ناتوان‌تر می‌شویم. سرانجام باید روزی جلو این گونه تابوپروری‌ها گرفته شود و صبحدم رئالیته از شب تاریخی و تخیلی ما، طلوع کند. تمام رسانه‌های این مملکت در خدمت دامن زدن به حجیت ظن و شایعه‌پروری‌اند و این برای نسل‌های آینده بسیار خطرناک است؛ از حشیش و تریاک و هروئین و شیشه و گراس هم خطرناک‌تر است» (روزنامه اطلاعات، سه‌شنبه ۲۷ اسفند ۱۳۸۷، شماره ۲۴۴۳۱). حدود نیمی از کتاب، متن‌هایی با مخاطب سیاسی دارد و حتی نویسندگان آنها چهره‌های سیاسی هستند. این‌گونه متن‌ها نه تنها در ذهن دانش‌آموزان ماندگار نیستند،

کتاب ملحوظ نبوده، پرورش ذوق و ادراک خواننده است؛ چرا که مؤلفان تنها به زاویه‌های خاص از ادبیات نگریسته‌اند و تنها یک نوع ادبی، یعنی ادبیات تعلیمی، پسند طبع ایشان افتاده است؛ هرچند در گزینش منتخبات این نوع ادبی نیز موفق نبوده‌اند. با نگاهی اجمالی به کتاب، می‌توان دریافت که این کتاب از ادب حماسی و غنایی به کلی بی‌بهره است، یا بهره‌ای ناچیز دارد. – اغلب درس‌های کتاب مربوط به حوزه ادبیات تعلیمی و البته صرفاً مذهبی است. زمانی این نکته بر خواننده بیشتر آشکار می‌شود که درس‌هایی از قبیل خدمات متقابل اسلام و ایران (ص ۲) و نسل آینده‌ساز (ص ۵۹) و ... را در کتاب می‌بیند. باید گفت هیچ‌یک از این درس‌ها – با اذعان به علو مقام نویسندگان و غنای بی‌شبهه محتوای آنها – به هیچ‌وجه صیغه ادبی ندارند. باری؛ معلم و دانش‌آموز، هر دو درمی‌مانند که با وجود این همه نثرهای زنده و زیبای ادبی، تاریخی و مذهبی که در کتاب‌های نویسندگان معاصر آمده است، چرا مؤلفان از این متن‌ها استفاده کرده‌اند. آیا گردآورندگان این کتاب با آوردن بعضی از درس‌ها، بر لبان دانش‌آموزان لیخند تمسخر نمی‌نشانند؟ و یا این گمان را موجب نمی‌شوند که آوردن برخی درس‌ها با آن نثر بسیار ابتدایی، تنها به قصد ادای دین به نویسنده آن صورت گرفته است؟ به‌راستی متن بعضی از درس‌ها چه مناسبتی با ادبیات معاصر دارد؟

جای خالی شاعران پیام معاصر

– بهتر بود مؤلفان اشعاری از شاعران مشهور و شناخته‌شده معاصر نیز در کتاب می‌آوردند. اگر شاملوها و نادرپورها و مصدق‌ها و ... را بر نمی‌تاییم، لااقل از سهراب‌ها و نیماها و شفیعی‌ها یاد آوریم و ذوق جامعه را نادیده نگیریم. بهتر بود به جای آوردن حکایت‌هایی از متون پیشین در پایان فصل‌ها، که ارتباطی با ادبیات معاصر ندارند، شعرهایی از شاعران معاصر یا حکایت‌هایی از ادبیات معاصر آورده می‌شد. جالب است بدانیم که مؤلفان در این کتاب که به ادبیات معاصر می‌پردازد، فقط یک شعر در قالب نیمایی (جلوه روی خدا) آورده‌اند.

– یکی از عالی‌ترین اهداف کتاب فارسی، باید القای روح انتقادی در دانش‌آموزان باشد؛ یعنی آنان باید بتوانند از زبان شاعر یا نویسنده با زاویای تاریک و اساساً کاستی‌های جامعه – مربوط به هر عصر که باشد – آشنا شوند. چنین رویکردی را به وضوح در ادبیات معاصر ایران می‌توان مشاهده کرد، که کتاب حاضر بر آن چشم پوشیده است.

– نکته دیگر اینکه مؤلفان کتاب از تنفس در فضای ادبیات معاصر پروا نداشته‌اند. نسل جوان تشنه آندیشه‌ها و دیدگاه‌های جدید است. نباید فراموش کرد که اگر کتاب منحصر به چند متن مرده و بر بسته شود، دانش‌آموز امروز تشنگی خود را در خارج از کلاس فارسی فرومی‌نشانند. آیا به دلیل اینکه بعضی از اشعار شاعران معاصر بر مزاج برخی خوش نمی‌افتد، می‌توان به مثله کردن ادب معاصر در این کتاب پرداخت؟ آنچه بیشتر موجب رنجش می‌شود این است که در این کتاب از میان شاعران معاصر، تنها به شاعران گمنام و قالب دوبیتی پیوسته توجه شده است؛ یعنی تنها شاعران صاحب

بلکه دانش آموزان از آنها فراری اند و این مطلب برای معلمان این درس بیش از مؤلفان آن قابل درک و لمس است. از آنجایی که کتاب‌های درسی در گستره سراسر ایران تدریس می‌شوند، لاجرم باید صبغه ملی آنها نیز پررنگ باشد و چنین حسّی را در خوانندگان پرورش دهند؛ اما گویا مؤلفان در تألیف این کتاب «زبان هنری» را فراموش کرده‌اند و با «زبان خبر» با مخاطبان خود سخن گفته‌اند؛ به همین دلیل، بخش زیادی از متن کتاب ارزش هنری ندارد و صرفاً خبررسانی کرده است و حاصل دانش آموزان از خواندن و تکرار چنین متن‌هایی، جز ملال و خستگی نخواهد بود. ضمن آنکه آیا مؤلفان کتاب از خود پرسیده‌اند ماندگاری این متن‌ها و گستردگی آنها در آینده‌ای نه چندان دور چقدر خواهد بود؟ بی‌شک این توفیق بسیار کم است. این نکته را باید افزود که در این کتاب از آثار ماندنی و هنری بسیاری از شاعران و نثرنویسان معاصر استفاده نشده است؛ آثاری که در اوج و در گستره زبان فارسی رواج بی‌ظنیری دارند. خواننده کتاب به روشنی درمی‌یابد که در این اثر چه کاستی‌های جبران‌ناپذیری وجود دارد و مؤلفان از داشتن معیارهای سنجش و شناخت شعر و نثر معاصر چه بسیار کم‌مایه بوده‌اند! غرض از بیان این مجمل آن است که نباید با مسائل دینی و مذهبی دانش آموزانمان برخوردی سیاسی و گاهی غیرواقعی داشته باشیم. به همین دلیل، به مؤلفان توصیه می‌شود که حتی بعضی از جملات کتاب را تعدیل کنند؛ مثلاً در ص ۱۸ آمده است: «سرانجام شب چهاردم خرداد ۱۳۶۸ فرارسید؛ شبی غمبار و تلخ؛ شبی که محبوب‌ترین شخصیت جهان اسلام به خدا پیوست». بهتر است بعد از «شخصیت»، واژه «معاصر» به متن اضافه شود؛ دیگر زمانه القای صریح و بیان مستقیم نیست. باری؛ مستقیم بودن گزاره‌های سیاسی، اخلاقی و پرورشی تا آن اندازه است که به راحتی می‌توان نام کتاب را به کتاب دینی و یا پرورشی تغییر داد.

- تصاویر چهره‌های سیاسی نیز در این کتاب بسیار است و این مسئله تأثیری منفی در ذهن و روان دانش آموزان دارد.

۲. نادرستی‌های چاپی و ویرایشی کتاب

چند نکته ویرایشی و اشتباه چاپی که شایان توجه بیشتری است، برای اصلاح در چاپ‌های بعدی به عرض می‌رسد:

ویرایش ضعیف کتاب

- آوردن مطالب توضیحی در بین متن.
- در صفحه ۵۷، سطر ۴ آمده: «و همه شب دیده بر هم نبسته و مُصحف عزیز (قرآن کریم) بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته».

مؤلفان نباید در داخل متن گلستان سعدی ترکیب «مُصحف عزیز» را معنی می‌کردند. بهتر است این ترکیب، مانند بقیه کلماتی که معنی آنها نیاز به توضیح دارد، در واژه‌نامه پایان کتاب می‌آمد.

آوردن جمله دعایی متن اصلی در داخل کمانک

- در صفحه ۵۷، سطر ۲ در متنی از گلستان آمده: «شبی در خدمت پدر (رحمة الله علیه) نشستیم بودم و ...».

علامت پرانتز (کمانک) برای نشان دادن عبارت‌های توضیحی به کار می‌رود. جمله «رحمة الله علیه» جمله معترضه است که اغلب در بین دو خط فاصله قرار می‌گیرد؛ «شبی در خدمت پدر - رحمة الله علیه - نشسته بودم و ...»

آوردن جمله توضیحی در داخل متن اصلی با نشانه قلاب

- ص ۹۴، س ۴: از کتاب بستان العارفین نقل شده است: ... شب از عبادت خوابم نمی‌برد [تمام شب را مشغول عبادت بودم] ...

کروشه یا قلاب نباید در این مورد به کار رود؛ بلکه در تصحیح متون کهن، الحاق احتمالی که از نسخه‌بدل‌ها یا از طرف مصحح افزوده می‌شود و یا دستورهای اجرایی در نمایشنامه‌ها در داخل قلاب قرار می‌گیرد (یاحقی، ۱۳۸۵: ۸۸).

به کار بردن علائم نگارشی به جای یکدیگر و متناقض‌گویی مؤلفین

ص ۳۲، س ۸: «معمولاً بدل بین دو ویرگول قرار می‌گیرد». اما در صفحه ۹۲، بدل بین دو خط فاصله آمده است: «شعر زیر از ابوسعید ابی‌الخیر - عارف قرن پنجم - است». یا در ص ۱۰۲: «معلم ادبیات - نظام وفا - مشغول خواندن یک شعر فرانسوی است».

گاهی بدل در بین دو ویرگول آورده نشده و بدون نشانه است: ص ۹۷، س ۸: «از خداوند، تعالی، سلامت و سعادت و ترقی در علم و عمل برای شما نور چشمان آرزو می‌کنم». «... برای شما، نور چشمان، آرزو می‌کنم».

و: «امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) دست مرا گرفت ...» (ص ۲۴، س ۳) «امیرالمؤمنین، علی بن ابی‌طالب (ع)، دست مرا گرفت ...»
و: «... به جابر پسر عبدالله انصاری فرمود ...» (ص ۲۴، س ۳) «...»

به جابر، پسر عبدالله انصاری، فرمود ...» (ص ۲۴، س ۱۶).

رواج غلط‌های زبانی و نگارشی

- ص ۱۰۵، س ۹: «محمدحسین شهریار ... می‌گفت: به راستی که یکی از نوابخ ادب است میان شاعرها تاکنون نظیرش نیست»
استفاده از علامت تأیید در فارسی رایج نیست و اشکال دارد؛ اما مؤلفان، این بیت استاد شهریار را که درباره پروین است، آورده‌اند که در آن، واژه «شاعر» با تالی تأیید آمده است. حذف این بیت به صواب نزدیک‌تر است.

- ص ۴: «انگیزه‌های جز خدمت به اسلام نداشته‌اند و از این جهت و شاید ایرانیان در دنیا نظیر نداشته باشند ...»
آوردن «و» بعد از «این جهت» نادرست است.

تشدیداضافی

- ص ۲۴، س ۳: «امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) دست مرا گرفت ...».

«علی بن ابی طالب» تشدید نمی‌خواهد.

- ص ۱۰۸، س ۳: «به رزمندگان روحیه داد».

«روحیه» در فارسی امروز بدون تشدید تلفظ می‌شود.

عدم استفاده از گیومه در نقل قول‌های مستقیم و آوردن نادرست گیومه در نقل قول‌های غیر مستقیم

- ص ۹۴، س ۳: گفت: من ده‌ساله بودم، شب از عبادت خوابم نمی‌برد [تمام شب را مشغول عبادت بودم]. شبی مادرم از من درخواست کرد که: «امشب سرد است. نزد من بخسب (بخواب)».

صورت صحیح عبارت: گفت: «من ده ساله بودم. شب از عبادت خوابم نمی‌برد [تمام شب را مشغول عبادت بودم]. شبی مادرم از من درخواست کرد که امشب سرد است؛ نزد من بخسب (بخواب) ...». بعد از حرف ربط «که» به علامت گیومه نیاز نیست.

آوردن بیتی از نظامی به نام عطار

- در صفحه ۱، سطر ۳ آمده است: محمد (ص) کآفرینش هست خاکش

هزاران آفرین بر جان پاکش (عطار نیشابوری)

بی‌گمان این بیت که مؤلفان آن را از عطار دانسته‌اند، از وی نیست. این بیت از خسرو و شیرین نظامی است. (ر.ک: خسرو و شیرین نظامی، تصحیح ثروتیان، ۱۳۶۶، ص ۸۱).

عدم به‌کارگیری رسم الخط یکسان

- ویراستار محترم بر آن بوده است که در رسم الخط کتاب، همه‌جا از «ی» میانجی بزرگ استفاده نماید؛ ولی در اولین شعر مقدمه کتاب، عنوان درس، یعنی «جلوه روی خدا»، بدون «ی» میانجی بزرگ نوشته شده است. در صفحات ۱۸۰ تا ۱۹۴ نیز ویراستار این یکسان‌سازی را فراموش کرده است و جای جای این صفحات «ی» میانجی بزرگ نیامده، که

بهتر بود به جای آوردن حکایت‌هایی از متون پیشین در پایان فصل‌ها، که ارتباطی با ادبیات معاصر ندارند، شعرهایی از شاعران معاصر یا حکایت‌هایی از ادبیات معاصر آورده می‌شد. جالب است بدانیم که مؤلفان در این کتاب که به ادبیات معاصر می‌پردازد، فقط یک شعر در قالب نیمایی (جلوه روی خدا) آورده‌اند

احتمالاً ویراستار آنها را ندیده است؛ مانند «گرچه ناقل (ص ۱۸۰)، برنده جایزه یونسکو (ص ۱۸۰)، حوزه علمیه نجف (ص ۱۸۱) و ...

دقیق نبودن فهرست اعلام (اشخاص، آثار و مکان‌ها) و غیر کاربردی بودن آن

مؤلفان در پایان کتاب فهرستی از اعلام را که در کتاب آمده است، آورده‌اند که متأسفانه با متن کتاب ارتباطی تنگاتنگ ندارد. به عنوان مثال، بسیاری از اعلامی (اشخاصی) که در این فهرست آمده‌اند، شناخته و بی‌نیاز از معرفی هستند؛ مانند سعدی شیرازی، و در عوض، از کسانی که برای دانش‌آموزان و حتی دبیران کمتر آشنا و شناخته‌اند، مانند طاهره ایبند (ص ۷۴)، گلشن آزادی (ص ۷۵)، محمدرضا کاتب (ص ۱۲۴)، سیدعلی اکبر تقویان (ص ۱۳۷) و ...، سخنی به میان نیامده است. در اعلام مکان‌ها و آثار نیز این نقصان به وضوح دیده می‌شود. بی‌گمان، فهرست اعلام (اشخاص) در یک اثر تحقیقی و علمی باید شامل تمامی اعلام (اشخاص) متن باشد و کتاب این ایراد را دارد که بسیاری از اعلام (اشخاص) متن را در فهرست اعلام نیاورده است و گویا مؤلفان همان اشخاصی را که خود می‌شناخته‌اند و یا یادداشتی درباره آن داشته‌اند، در اعلام (اشخاص) آورده‌اند و به خود زحمت نوشتن معرفی یا تحقیق درباره دیگر اعلام نامأنوس متن نداده‌اند و یا نوشتن این فهرست‌ها بی‌اهمیت جلوه کرده و به افرادی دیگر واگذار شده است که از عهده کار برنیامده‌اند. آوردن اعلام به صورت «اعلام: اشخاص»، «اعلام: آثار» و «اعلام: مکان‌ها» نادرست است. استفاده از «بعد از اعلام» برای نگارنده تازگی دارد؛ چراکه واژه اعلام، مساوی یا به معنی اشخاص و ... نیست و صورت درست آن این است: اعلام (اشخاص).

در فهرست اعلام (مکان‌ها) نیز مکان‌هایی چون «قم»، «اصفهان»، «کرمان» و ... توضیح داده شده‌اند؛ ولی مکانی چون «قروه»، که اندک افرادی با آن آشنا نیستند، از قلم افتاده است.

اشتباه‌های املائی و چاپی کتاب

- ص ۷، س ۱۰: «پس از مشورت در گروه، با کلمه‌های اسلام و ایران سه جمله در زبان‌های گذشته، حال و آینده بسازید». «زبان‌های» ← زمان‌های.

- ص ۵۷، س ۶: «یکی از اینان سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگذارد ...». ← ... دوگانه‌ای بگذارد.

«گزاردن»، و نه «گذاردن»، به معنی ادای تکلیف است و به جای آوردن حقی که آدمی بر عهده دارد؛ مانند «گزارش کار»، «سپاس گزار»، «خدمت‌گزار» و «تماز گزار» (یا حقی و ...، ۱۳۸۵: ۶۸).

- ص ۸۷، ۹:

«از دی گذشت، هیچ از او یاد مکن

فردا که نیامده‌ست، فریاد مکن ...»

← از دی که گذشت، هیچ از او یاد مکن ...

- ص ۱۸۵: «مقبره الشعرا» ← مقبره الشعرا.

«اعلام: اشخاص» (ص ۱۸۰) ← اعلام (اشخاص)، «اعلام: آثار» (ص ۱۸۷) ← اعلام (آثار)، «اعلام: مکان‌ها» (ص ۱۸۸) ← اعلام (مکان‌ها). آوردن دو نقطه (:) بعد از «اعلام» نادرست است.

ص ۱۸۵: از دیگر آثار او [فروزانفر] می‌توان: مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی، احادیث مثنوی و فیه ما فیه را نام برد.

احتمالاً منظور از فیه ما فیه تصحیح و تعلیقات آن کتاب است. استاد فروزانفر کتاب فیه ما فیه مولوی را تصحیح کرده است. این کتاب با حواشی و تعلیقات وی، از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر شده است. درغ از این همه کم‌دقتی ویراستار! اگر کتاب درسی که مربوط به گروه زبان و ادبیات فارسی است، این‌گونه ویرایش شود، چه انتظاری از کتب درسی گروه‌های دیگر می‌توان داشت؟! در تألیف کتاب درسی باید بدهستان‌های دوستانه و نان قرض‌دادن‌ها کنار گذاشته شود و سازمان تألیف باید از ویراستاران مجرب و دقیق‌النظر استفاده نماید. کسانی که خود یک مقاله تحقیقی نوشته‌اند، چگونه می‌توانند کتابی در این سطح را ویرایش نمایند؟ ویرایش کتب درسی را باید جدی گرفت و از گروهی ویراستار استفاده کرد تا این‌گونه اشتباهات در آن راه نیابد.

عدم ذکر منابع و مآخذ در پاره‌ای از موارد

از نقص‌های کتاب در فهرست منابع، عدم ذکر بعضی از منابع مورد استفاده در این اثر است. مؤلفان در بسیاری از موارد، از منابع گوناگون استفاده مستقیم و غیرمستقیم نموده‌اند که در فهرست منابع نامی از آنها نیامده است و گاهی نیز متنی را بدون اشاره به نام نویسنده آن آورده‌اند، که این کار نیز دور از موازین اخلاقی است و سرقت محسوب می‌شود؛ به عنوان مثال، متن درس سیزدهم (زندگی همین لحظه‌هاست) از کدام کتاب عباس اقبال آشتیانی با تلخیص نقل شده است؟ یا متن روان خوانی «کزال» در صفحه ۷۱ از کدام کتاب طاهره ایبده است؟ متن درس پنجم از کیست؟ (ص ۲۸) و ...

ساختار نامناسب و گاهی نادرست جمله‌ها

با وجود گذشت سه سال از تألیف و انتشار این کتاب، یکی از نواقص آن، اشکالات ساختاری بعضی جمله‌هاست. همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد، مؤلفان باید از ویراستاری باتجربه و دقیق‌النظر بهره می‌جستند که متن را لااقل یک بار پیش از نشر، با نگاهی نقادانه می‌خواند. متأسفانه امروزه این نقص در اغلب کتب درسی دیده می‌شود که ویراستار یا کتاب را به دقت نخوانده و یا از عهده این کار برنمی‌آمده است. برای نمونه، به بعضی از این جملات اشاره می‌کنیم:

ص ۲۰: «خاطره‌ای از امام خمینی یا از دوران انقلاب در نثر خودتان بنویسید».

خاطره‌ای از امام خمینی (ره) یا از دوران انقلاب در دفتر خودتان بنویسید

ص ۱۳: «جمله‌های شماره ۱ و ۲ هر دو پیام یکسانی دارند اما جمله

دوم زیباتر و دلپذیرتر است. دلیل زیبایی جمله دوم چیست؟»
جمله‌های شماره ۱ و ۲، هر دو پیام یکسانی دارند؛ اما جمله‌های دوم، زیباتر و دل‌پذیرتر است. دلیل زیبایی جمله‌های دوم چیست؟ (جمله‌های شماره ۱ و ۲، هر کدام دو نمونه دارند).
ص ۱۴: «جدول زیر را کامل کنید:

عکس‌العمل پیامبر (ص)	رفتار دیگران
	دشنام دادن نشستن امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بر گردن پیامبر (ص) بدرفتاری دیگران تجاوز به قانون

به این جدول بنگرید و به ساختار معنایی و نامناسب ستون اول آن فکر کنید: رفتار دیگران، دشنام دادن و ... است؟

ص ۲۵: «به واژه‌های بخش الف، ساده و واژه‌های بخش ب، غیرساده می‌گویند».

به واژه‌های بخش الف، ساده و به واژه‌های بخش ب، غیرساده می‌گویند

ص ۲۷: «۱- کلمات مسجع را در درس پیدا کنید و بنویسید»
«کلمات مسجع» یعنی چه؟ عبارت مسجع یا نثر مسجع داریم؛ ولی کلمات مسجع نداریم!

«۲- فرق قافیه و سجع را در دو سطر بنویسید».
مراد از «قافیه» همان «کلمه قافیه» است. آوردن «قافیه» به جای «کلمه قافیه» نادرست می‌نماید. شمس قیس در تعریف قافیه می‌گوید: «بدان که قافیت، بعضی از کلمه آخرین بیت باشد، به شرط آنکه آن کلمه بعینها و معناها در آخر ابیات دیگر متکرر نشود؛ پس اگر متکرر شود، آن را ردیف خوانند و قافیت در ماقبل آن باشد» (ر.ک: المعجم فی معاییر اشعار العجم، ص ۱۸۵)
ص ۹۱: «کار گروهی ۱: دیوان شعر خیام را به کلاس بیاورید و یک رباعی از وی بخوانید».

دیوان شعر خیام؟! بسیار جای تعجب است که مؤلفان برای خیام «دیوان» شعر هم متصور شده‌اند. برای درک بیشتر از معنی «دیوان»، ر.ک: فرهنگ‌نامه‌های ادبی فارسی و لغت‌نامه‌ها.

«... این استاد شاعر و خوش‌نام، دریغا که به ناگهان و زود چشم از جهان فروبست. وی در پاییز ۱۳۸۶ وفات یافت».

چشم از جهان فروبست ... وفات یافت. (حشو و تکرار زاید در این دو جمله به چشم می‌خورد).

دریغا که در پاییز ۱۳۸۶ به ناگهان و زود چشم از جهان فروبست.

اعراب‌گذاری نادرست

اگرچه پایان عبارت عربی را به وقف می‌توان خواند، ولی این وقف راجع به تلفظ است و نگذاشتن حرکت پایانی جملات عربی وجهی ندارد؛

مانند: «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (ص ۱۰). باید «... سَلَّمَ» نوشته شود.

اشتباهات نکته‌های دستوری کتاب

- ص ۶۲، س ۱۲: شناسه‌های زیر با بن ماضی می‌آیند:

مفرد	جمع
اول شخص -م	- یم
دوم شخص -ی	- ید
سوم شخص شناسه ندارد	- ند

مؤلفان درباره سوم شخص مفرد آورده‌اند که سوم شخص مفرد شناسه ندارد. این مطلب نادرست است. باید گفت سوم شخص مفرد علامت شناسه ندارد، یا در سوم شخص مفرد علامت شناسه ظاهر نمی‌شود. اگر گفته شود شناسه ندارد، یعنی شخص ندارد. شناسه، تکواژی است که شخص فعل را معین می‌کند.

- ص ۶۸، س ۶: «به فعل جمله‌های زیر توجه کنید:

نوجوانی به تو خوش آمد می‌گوید.

کاش همیشه حقیقت را بگوییم!

هر دو فعل از بن مضارع (گوی) ساخته شده‌اند.

بن مضارع این افعال «گو» است، نه «گوی».

- ص ۶۸، س ۷: «به ساخت فعل‌ها در جدول نگاه کنید:

مفرد	جمع
اول شخص می‌بینم	می‌بینیم
دوم شخص می‌بینی	می‌بینید
سوم شخص می‌بیند	می‌بینند

همان‌طور که می‌بینید، این افعال از بن مضارع و شناسه تشکیل شده‌اند.

این افعال از می + بن مضارع + شناسه تشکیل شده‌اند.

- ص ۶۸، س ۱۳: شناسه‌های زیر به بن مضارع می‌پیوندند:

مفرد	جمع
اول شخص -م	- یم
دوم شخص -ی	- ید
سوم شخص -د	- ند

در این جدول تنها «م»، «د» و «ند» به رنگ قرمز نوشته شده‌اند. مصوّت «ی» قبل از «م»، «د» و «ند» ... نیز جزئی از شناسه است و باید به رنگ قرمز به صورت «-م» نوشته شود.

- ص ۱۰۸، س ۱۵: «من در آینده نکته‌های مهمی را به شما خواهم گفت»

همان‌گونه که می‌بینید، فعل جمله بالا به زمان آینده اشاره می‌کند. به این گونه از افعال، «آینده» یا «مستقبل» می‌گویند. به ساخت این فعل دقت کنید: خواه + شناسه مضارع + بن ماضی.

آنچه در ساخت افعال «آینده» یا «مستقبل» آمده است، اشکال دارد.

در ساخت این فعل «بن ماضی» وجود ندارد. فعل آینده از «خواه + شناسه مضارع + مصدر کوتاه» ساخته می‌شود؛ مانند «خواهم رفت»، «خواهم گفت» ... مصدر کوتاه، مصدر مرخّم نیز نامیده می‌شود: «به آن صورت مصدری که نشانه مصدری، یعنی /an-، از آن حذف شده باشد، مصدر کوتاه گفته می‌شود. صورت مصدر کوتاه با صورت بن ماضی یکسان است» (مشکوّه الدینی، ۱۳۷۴: ۱۵۳).

- ص ۱۱۷، س ۷: جدول زیر را کامل کنید:

- شهید رجایی معلّمی متواضع بود.

- مصطفی خوشحال شد.

- امروز خیلی سرد است.

نهاد	گزاره	
	مسنَد	فعل

مؤلفان محترم در ص ۱۶۸ کتاب معلّمی (راهنمای آموزش) فارسی سال

اول، تابستان ۱۳۸۷، جدول را به صورت زیر کامل کرده‌اند:

نهاد	گزاره	
	مسنَد	فعل
شهید رجایی	معلّمی متواضع	بود
مصطفی	خوشحال	شد
امروز	سرد	است

باید گفت «امروز» قید است، نه نهاد. این جمله باید عوض شود؛ چون نهاد جمله محذوف است و دانش‌آموزان درباره نهاد محذوف چیزی نخوانده‌اند.

اشتباهات نکته‌های زبان‌شناسی کتاب

- در ص ۴۹ آمده است: «۳- درباره واژه‌های هم‌آوای زیر گفت‌وگو کنید:

صبا، صبا/ صواب، ثواب/ مریز، مریض/ صفر، سفر».

واژه‌های «مریز» و «مریض» هم‌آوا نیست. جای تکیه در آنها یکسان نیست

نادرست خواندن شعر و عدم آشنایی با اوزان عروضی

- ص ۱۱۰، س ۶:

«برزگری پند به فرزند داد

کای پسر، این پیشه پس از من تو راست»

آوردن ویرگول در مصراع دوم این بیت، وزن عروضی را مشکل‌دار می‌نماید و باید این علامت حذف شود. در این بیت اختیار حذف همزه اتفاق می‌افتد و «کی/پ/س/رین/...» (مفتعلن/مفتعلن/...) خوانده می‌شود.

رعایت نکردن برخی از علایم نگارشی

- در برخی موارد، نشانه اختصاری «ره» (رحمة الله علیه) پس از بعضی اشخاص فراموش شده است؛ مانند «امام خمینی نیز ناگزیر به پاریس رفت ...» (صص ۱۷ و ۱۸؛ نیز ر.ک: ص ۶۸ س ۷ و...) - نداشتن نقطه پایانی: «خاطره‌ای از دوران انقلاب در محل زندگی خودتان بنویسید (با مراجعه به کتاب‌ها یا اشخاص) (ص ۲۰)» ❏ بنویسید.

«نثر خواجه عبدالله آهنگین «مسجع» است از آثار او می‌توان به مناجات‌نامه و الهی‌نامه اشاره کرد.» (ص ۱۸۱) ❏ است.

ص ۶۱ س ۳: «درستان را خوب بخوانید و جوانی‌تان را قدر بدانید این نیرو و نشاط باید در راه به‌دست آوردن این ارزش‌های والا خرج شود وقتش هم الآن است» ❏ درستان را خوب بخوانید و جوانیتان را قدر بدانید. این نیرو و نشاط باید در راه به‌دست آوردن این ارزش‌های والا خرج شود؛ وقتش هم الآن است.

ص ۶۷ س ۸: «نوجوان در رؤیاسازی‌ها و خیال‌پردازی‌هایش در جست‌وجوی آینده‌ای نامعلوم و کشف استعدادها و آرمان‌های نهایی خویش است اگر جلوه‌های نوجوانی به درستی فهمیده و شناخته شوند، زندگی با نوجوانان کار دشواری نخواهد بود...» ❏ نوجوان در رؤیاسازی‌ها و خیال‌پردازی‌هایش، در جست‌وجوی آینده‌ای نامعلوم و کشف استعدادها و آرمان‌های نهایی خویش است. اگر جلوه‌های نوجوانی به درستی فهمیده و شناخته شوند، زندگی با نوجوانان کار

آنچه در ضعف این کتاب بیش از هر چیزی به چشم می‌خورد، نزدیکی محتوای کتاب جدیدالتألیف فارسی اول راهنمایی به کتاب پرورشی و دینی است و بر هر خواننده‌ای واضح است که دچار سیاست‌زدگی شده است. این کتاب مخاطبی سیاسی دارد و آن را با مخاطب انسانی کاری نیست. نیاز به گفتن نیست که بهتر است در کتاب‌های درسی از القای مستقیم پیام‌های سیاسی، که چندان مناسب با دانش آموزان نیست، پرهیز شود

دشواری نخواهد بود ...

- ویرگول:

در صفحه ۳۲ آمده است: «معمولاً بدل بین دو ویرگول قرار می‌گیرد» اما در مواردی، کتاب برای بدل این نشانه را نیاورده است: «کمیل گفت: امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) دست مرا گرفت ...» (ص ۲۴) ❏ کمیل گفت: امیرالمؤمنین، علی ابن ابی‌طالب (ع)، دست مرا گرفت ...

یا: «و به جابر پسر عبدالله انصاری فرمود ...» (ص ۲۴) ❏ و به جابر، پسر عبدالله انصاری، فرمود ... که بهتر است بدل در داخل ویرگول قرار گیرد.

- دو نقطه:

ص ۵۷، س ۷: «گفت جان پدر ...» ❏ گفت: جان پدر ...

- نقطه‌ویرگول:

ص ۵۷، س ۳: «جوان یعنی آینده.» ❏ جوان؛ یعنی آینده.

- عدم یکسان‌سازی در استفاده از نقطه در پایان جملات نقل قول مستقیم، به گونه‌ای که گاهی نقطه را قبل از گیومه در پایان جملات آورده و گاهی بعد از آن.

قبل از گیومه پایان جمله، مانند: با خودم گفتم: «... و همه چیز را به او بگو.» (ص ۱۲۲، س ۱۹).

بعد از گیومه پایان جمله، مانند: «... فرصت‌های خوب و عزیز را دریابید.» (ص ۹۰، س ۸)

- به کار بردن چند علامت نگارشی با هم:

«چهارباغ چه جور جاییه؟»

گفت: «این چهار نفر می‌خواهند با ما بجنگند؟ آنها را تیرباران کنید!» (ص ۱۳۰، س ۱۸)

«برای شما آرزوی سلامتی و شادی دارم!» (ص ۱۵۰، س ۷)

- گیومه بسته شده، ولی باز نشده است: من ... باید هر کاری را ... انجام دهم» (ص ۱۵۰، س ۴)

- استفاده نادرست از گیومه به جای پرانتز:

«نثر خواجه عبدالله آهنگین «مسجع» است. از آثار او می‌توان به مناجات‌نامه و الهی‌نامه اشاره کرد.» (ص ۱۸۱) ❏ ... آهنگین (مسجع) است.

- استفاده از ویرگول به جای «و»:

«از جمله آثار او می‌توان به کتاب ترجمه کتاب تمهیدات اثر ایمانوئل کانت، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی اشاره کرد.» (ص ۱۸۲) ❏ از جمله آثار او می‌توان به کتاب ترجمه کتاب تمهیدات اثر ایمانوئل کانت و فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی اشاره کرد. (ص ۱۸۲)

- استفاده نادرست از علامت نقطه به جای علامت تعجب:

آنچه در ضعف این کتاب بیش از هر چیزی به چشم می‌خورد، نزدیکی محتوای کتاب جدیدالتألیف فارسی اول راهنمایی به کتاب پرورشی و دینی است و بر هر خواننده‌ای واضح است که دچار سیاست‌زدگی شده است. این کتاب مخاطبی سیاسی دارد و آن را با مخاطب انسانی کاری نیست. نیاز به گفتن نیست که بهتر است در کتاب‌های درسی از القای مستقیم پیام‌های سیاسی، که چندان مناسب با دانش آموزان نیست، پرهیز شود

از آنجایی که کتاب‌های درسی در گسترهٔ سراسر ایران تدریس می‌شوند، لاجرم باید صبغهٔ ملی آنها نیز پررنگ باشد و چنین حسی را در خوانندگان پرورش دهند؛ اما گویا مؤلفان در تألیف این کتاب «زبان هنری» را فراموش کرده‌اند و با «زبان خبر» با مخاطبان خود سخن گفته‌اند؛ به همین دلیل، بخش زیادی از متن کتاب ارزش هنری ندارد و صرفاً خبررسانی کرده است و حاصل دانش آموزان از خواندن و تکرار چنین متن‌هایی، جز ملال و خستگی نخواهد بود

«آفرین، آفرین. (ص ۱۰۳، س ۴)» آفرین! آفرین!

استفادهٔ نادرست از نقطه:

ص ۱۱۵: «وقتی مشت مصطفی باز شد، سکه‌ها غلتیدند...»
وقتی مشت مصطفی باز شد، سکه‌ها غلتیدند... (بعد از «شد» به نقطه نیازی نیست. جملهٔ «وقتی... غلتیدند» جملهٔ مرکب است.)

استفادهٔ نادرست از خط فاصله:

«گفتم: - می‌بخشید. از دستم دررفت.» (ص ۱۲۱، ۱۹)

در صص ۱۲۰ تا ۱۲۴ این اشتباه بسیار تکرار گردیده است. نشانهٔ

«-» بعد از فعل «گفتم» به کار نمی‌رود. (ر.ک: یاحقی، ۱۳۸۵: ۸۸)

- در ص ۳۷ آمده است:

«دستهٔ اول

۱- رفتم / رفتی / ...

دستهٔ دوم

۱- می‌روم / می‌روی / ...» به شماره‌گذاری نیازی نیست؛

چون دستهٔ اول و دستهٔ دوم شمارهٔ ۲ ندارند.

- دوگانگی در رسم الخط فارسی:

ص ۶۶ س ۶: نوجوانی دوره‌ای شبیه به رؤیا است. «رؤیاست.

(همزهٔ کلمهٔ «است» پس از کلمه‌های مختوم به مصوت بلند «ا» و

«او» حذف می‌شود.) (یاحقی، ۱۳۸۵: ۱۷)

کلمهٔ «توسی» در یک‌جا «طوسی» (ص ۴، س ۱۰) و در جای

دیگر «توسی» (ص ۳۰، ۱۸) نوشته شده است.

واژه‌گزینی به دور از به‌گزینی

- «با زبان فارسی، ایرانی می‌شوم و ایرانی می‌مانم. هرچه این

زبان را بیشتر می‌خوانم و بهتر می‌فهمم، ایرانی‌تر می‌شوم (ص ۳۵).

استفاده از واژهٔ «ایرانی‌تر» در زبان خبر نادرست است. اگر متن را

هنری می‌دانید، دربارهٔ استعمال فراهنجار «ایرانی‌تر» توضیح دهید.

خط تحریری کتاب

- خط تحریری کتاب نیز در مواردی خالی از اشکال نیست:

۱- در بسیاری از موارد، نیم فاصله و فاصله رعایت نشده است.

سپهر با همان نفس گرسش ادامه ← گرسش

۲- بعضی از حروف بسیار ناساز و بی‌اندام نوشته شده‌اند:

مسئله‌ی کرانه یا من در آینده نگاره‌های بومی‌ها ← مسخره، مهمی

۳- ترکیب بعضی حروف یا یکدیگر دور از اصول خط تحریری است:

نیم البلاط، ترجمه‌ی سید حسن شهیدی ← نهج
تجالت مسخ شده است ← سرخ

۴- در بین خط تحریری کتاب نشانهٔ ویرگول به خط چایی یا رایانه‌ای است:

می‌دهد، بله، از نظامی براید می‌خوانم. ←

۵- فاصله برخی حروف کم است:

شخص او روبه توسعه است ← روبه / رو به

تشدید در کتاب

- واژهٔ «شط» در واژه‌نامه به صورت «شطاً: رود بزرگ»

(ص ۱۷۵)، با تشدید آمده است و نیز واژهٔ «حک» که به صورت

«حک کردن: تراشیدن، خراشیدن» (ص ۱۷۴) آمده است. «شط»

و «حک» در این بافت نیازی به تشدید ندارند. از سویی دیگر،

امروزه در فارسی معیار واژهٔ «روحیه» بدون تشدید تلفظ می‌شود

که مؤلفان آن را با تشدید آورده‌اند.

بی‌دقتی در شکل نوشتن اشعار

- اشعاری که قالبی چون مثنوی و غزل ... دارند، نباید به

صورت شعر نو زیر هم نوشته شوند. مصراع‌های شعر «زنگ کوچ»

در ص ۱۳۶ که قالب مثنوی دارد، به صورت شعر نو زیر هم نوشته

شده‌اند.

- در بین واژه‌های یک مصراع از سعدی فاصله ایجاد شده

است:

برگ درختان سبز

با خط رخشان سبز

«هر ورقش دفتری است

معرفت کردگار»

و چند مصراع بعد:

«برگ درختان سبز در نظر هوشیار

آینهٔ رازهاست» (مقدمه)

که بین «دفتری است» و «معرفت کردگار» و «هوشیار» و

«آینهٔ رازهاست» فاصله‌ای زاید آمده است. باید «برگ درختان

سبز» اولی نیز در داخل گیومه باشد. علامت گیومه بعد از «آینهٔ

رازهاست» نیز به قبل آن منتقل شود.

– هفت صفحهٔ آغازین کتاب شمارهٔ صفحه ندارد و درس اول از ص ۱ آغاز می‌شود. برای راحتی ارجاع به این کتاب، باید مقدمه و ستایش آغازی نیز شماره گذاری می‌شد.

نادرستی معنای بعضی از کلماتی که در واژه‌نامه (صص ۱۷۹ – ۱۷۳) آمده‌اند

یکی از مشکلات کتاب، واژه‌نامه‌ای است که در آن بعضی از واژه‌ها اشتباه معنی شده‌اند؛ مانند:

– سرپنجه: سرانگشت (قوة سرپنجه: نیرومند) ﴿

(قوی سرپنجه: نیرومند)

– غوطه‌ور: غوطه خوردن، غرق شدن ﴿ غوطه‌ور: آنکه در آب فرو رود، غواص، فرورونده در آب و ... (صفت به صورت مصدر معنا شده است.)

– گنجور: ثروت‌اندوز ﴿ گنجور: انباردار، حافظ گنج، خازن، حافظ و نگهبان.

– متجلی: آشکار شدن ﴿ آشکارشونده، روشن و آشکار. (صفت به صورت مصدر معنا شده است.)

– مشام: بویایی، بینی ﴿ مشام، به معنی بویایی نیست؛ بلکه محلّ قوهٔ بویایی است. اندام بویایی است، نه بویایی.

تلخیص ناقص از متن اصلی

«کودکان پرنشاط گلبوته و نوجوانان امیدوار ذرت‌ها در گوش نسیم، آمین می‌گفتند...» (ص ۵۲) ﴿ در متن اصلی از کوپر دکتر شریعتی این جمله به صورت «کودکان پرنشاط رقصان گلبوته‌ها و نوجوانان امیدوار ذرت‌ها در گوش نسیم آمین می‌گفتند...» (کوپر / ۳۹) آمده است. از آنجا که «نوجوانان امیدوار ذرت‌ها» با «کودکان پرنشاط گل بوته‌ها» دو تشبیه هستند، بهتر است متن به صورت اصلی خود، یعنی «کودکان پرنشاط رقصان گلبوته‌ها»، نه «کودکان پرنشاط گلبوته» بیاید. از سویی، «گلبوته» به «کودکان» مانند نشده است؛ بلکه «گلبوته‌ها» به آنها مانند شده‌اند.

عدم مشخص بودن تاریخ قمری یا شمسی در برخی از عبارات اعلام و یا جابه‌جایی آنها

– مهدی آذر خرمشاهی، معروف به آذریزدی، در سال ۱۳۰۰ در روستای خرمشاه ... متولد شد.

– جعفری، استاد محمدتقی (۱۳۷۷ – ۱۳۰۴ هـ.ش) استاد محمدتقی جعفری، در مرداد سال ۱۳۰۴ هـ.ق در خانواده‌ای فقیر در شهر تبریز به دنیا آمد. (ص ۱۸۱) ﴿ مؤلفان ابتدا تاریخ تولّد و وفات را به هجری شمسی آورده و سپس ذکر کرده‌اند که در «مرداد سال ۱۳۰۴ هـ.ق» (تاریخ قمری) به دنیا آمد.

نقص بعضی از منابع در فهرست منابع پایان کتاب

– به قول پرستو، قیصر امین‌پور، انتشارات سروش. ﴿ محل

نشر، نوبت چاپ و سال نشر نیامده است.

– یک آسمان ستاره، مهدی فتحی «خاطره‌ای از مصطفی چمران». ﴿ محل نشر، نوبت چاپ و سال نشر نیامده است.

سخن پایانی نیز با ویراستار عزیز است که مسئولیت ویرایش این کتاب به عهدهٔ وی است و لازم بوده این اثر را ویرایش محتوایی و صورتی کند و بدون انجام آن، این ادعای پرمطراقی ویرایش را به رخ خوانندگان نکشاند و در شناسنامهٔ کتاب نام خود را نیاورد. سازمان تألیف نیز در این زمینه مسئولیتی شگرف دارد. تدوین و نگارش کتب درسی، کاری است کارستان که نباید آن را خرد تلقی کرد:

«ناخوش‌آوازی به بانگ بلند [قرآن] همی خواند. صاحب‌دلی بر او بگذشت. گفت: تو را مشاھرہ چند است؟ گفت: هیچ. گفت: پس چرا زحمت خود می‌دهی؟ گفت: از بهر خدا می‌خوانم. گفت: از بهر خدا مخوان.

گر تو قرآن بدین نمط خوانی

ببری رونق مسلمانی» (گلستان، باب چهارم، ص ۱۳۳)

پی‌نوشت

* مدرّس دانشگاه آزاد اسلامی – واحد مشهد.

کتابنامه

– اکبری شلدره‌ای، فریدون و ...، ۱۳۸۷ راهنمای آموزش فارسی سال اول. تهران: گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.

– اکبری شلدره‌ای، فریدون و ...، ۱۳۸۷ فارسی اول راهنمایی.

چاپ سوم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

– رازی، شمس قیس، ۱۳۳۸، المعجم فی معاییر اشعار العجم.

به تصحیح علامه قزوینی و مدرّس رضوی. کتاب فروشی تهران.

– سعدی، مصلح‌الدین، گلستان، ۱۳۷۳، تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ سوم، تهران: خوارزمی.

– شریعتی، علی ۱۳۴۹ کوپر، تهران: شرکت انتشار.

– شفیعی کدکنی محمدرضا، «استاد ما ادیب»، روزنامهٔ اطلاعات.

سه‌شنبه ۲۷ اسفند ۱۳۸۷، شمارهٔ ۲۴۴۳۱.

– مشکوٰۃ‌الدینی مهدی، ۱۳۷۴ دستور زبان فارسی. مشهد: دانشگاه فردوسی.

– نظامی گنجوی، ۱۳۶۶ خسرو و شیرین. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: توس.

– یاحقی جعفر و ...، ۱۳۸۵ راهنمای نگارش و ویرایش. مشهد: آستان قدس.